

پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۱

هزار و سیصد و نود و یک - نیمسال اول

- مجوزهای اجباری ابزاری رقابتی در برابر انحصار حقوق مالکیت فکری
محمود باقری - سیمین عباسی
- بررسی و تحلیل زبان علم حقوق ایران در پرتو زبان‌های علمی مدرن
حسین سیمایی صراف - حامد ملکشاهی
- «دارا شدن من غیر حق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد
برای مبارزه با فساد مالی
سید منصور میر سعیدی - حجت تجارزاده اهری
- دستاوردهای جدید قانون داورى انگلستان در مقایسه با قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران
حمیدرضا علیخانی - سعید عباسی
- حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر
نقیسه بهرامی
- حرکت به سوی قاعده‌سازی و انگاره‌های معاصر: رویه قضایی در آئینه
دیوان بین‌المللی دادگستری
امیر ارسلان رسول‌پور - عبدالله عابدینی
- اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان
مریم همتی
- مروری کوتاه بر پرونده رادوان کارادزیچ: قصاب بالکان
هیبت‌الله نژندی منش





بررسی و تحلیل زبان علم حقوق ایران در پرتو زبان‌های علمی مدرن

دکتر حسین سیمایی صراف* - حامد ملکشاهی**

چکیده: از آنجا که زبان، پایه تمام کنش‌های انسانی است و علم هم به عنوان یک کنش بر بستر زبان شکل می‌گیرد، اهمیت زبان و اصطلاحات حقوقی کمتر از علم حقوق نیست. به منظور بررسی زبان حقوق ایران، پس از بررسی و تحلیل مفاهیمی مانند مدرنیته، روح علمی، زبان علمی و ویژگی‌های آن، تطورات، و نوسان‌های زبان علم حقوق ایران را در پرتو زبان‌های علمی مدرن بررسی و تحلیل خواهیم کرد. همچنین به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که زبان حقوق ایران به عنوان یک زبان علمی، واژگان و اصطلاحات را از چه بستری می‌سازد. آیا از زبان فارسی بهره می‌گیرد یا زبان مایه عربی؟ و آیا برای باروری زبان فارسی در عرصه حقوق تلاشی صورت گرفته است؟ در پاسخ خواهیم دید که حقوق ایران واژگان و اصطلاحات خود را از مایه زبان عربی می‌سازد. با وجود این، تلاش‌هایی نه چندان نظام‌مند و پیگیرانه برای میدان دادن به زبان، اصطلاحات و واژگان فارسی صورت گرفته است که ما آن را تحت عنوان نوسان‌های زبان حقوق ایران تحلیل خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: زبان علمی، حقوق ایران، واژگان، زبان فارسی، زبان عربی

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم، simaee_s@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی (دانشگاه قم)

مقدمه

در دنیای مدرن، زبان اهمیتی والا و درخور یافته است چرا که باید چونان براداری باشد برای حمل مفاهیم و دستاوردهای عظیم علمی انسان مدرن. دانستن چگونگی برآمدن زبان‌های علمی مدرن و شناخت ویژگی‌های زبان علمی مدرن، ما را به مستقل بودن زبان علمی از زبان همگانی رهنمون و با سازوکار علم بیشتر آشنا می‌سازد؛ چرا که «زبان علم چیزی افزون بر آن یا گنجانیده در آن نیست. زبان علم عین علم است و علم در زبان خود به وجود می‌آید و آن کس که زبان علم را می‌داند با علم آشنایی دارد»^۱. پس، شناخت زبان علمی و سازوکار آن، آشنایی با علم را در پی دارد. در اینجا ما با «زبان علم حقوق» در ایران سروکار داریم؛ زیرا اهمیت زبان و اصطلاحات حقوقی کمتر از علم حقوق نیست چرا که «نردبان فهم مسائل حقوقی، ادراک صحیح اصطلاحات است و هر اصطلاحی دری است به سوی هزاران مسأله حقوقی»^۲ در همین رابطه می‌خواهیم بدانیم که حقوق ایران - که به زبان فارسی است - زبان مایه علمی خود را با چه عناصر و سازمایه‌هایی بنا کرده است؟ آیا زبان حقوق ایران همه ویژگی‌های زبان‌های علمی مدرن را دارد؟ اگر نه، کدام‌ها را دارد؟ این زبان از ابتدا تا کنون چه نوسان‌هایی داشته است؟ در خلال این مبحث به بررسی وجود یا عدم ویژگی‌های زبان‌های علمی مدرن در زبان حقوق ایران و نوسان‌هایی که این زبان داشته می‌پردازیم و نیز تلاش‌هایی که برای ساختن زبان علمی فارسی در حقوق ایران انجام شده است را خواهیم دید. ما در گفتار نخست این مقاله به چگونگی پیدایش و برآمدن زبان‌های علمی مدرن و ویژگی‌هایی که این زبان‌ها دارند اشاره می‌کنیم و در پرتو آن در گفتار دوم به بررسی زبان علم حقوق ایران، ویژگی‌ها و نوسان‌های آن می‌پردازیم. در پایان هم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهایی برای هر چه بهتر شدن وضعیت زبان فارسی در این رشته خواهیم پرداخت.

۱. داریوش آشوری، «روح علمی زبان علمی»، نشر دانش، سال پنجم، ۱۳۶۴، شماره ۲۷، ص ۱۲.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴.

گفتار نخست:

پیدایش و رشد زبان‌های علمی مدرن

۱- مدرنیته؛ خاستگاه روح علمی و زبان علمی مدرن

فرهنگ و تمدن مدرن به دنبال جنبش رنسانس، در اروپا شکل گرفت.^۳ رنسانس سعی کرده بود تا اقتدار و عظمت باستانیان (یونان و روم پیش از میلاد) را جایگزین اقتدار کلیسا و اقتدار قرون وسطا کند؛ ولی در دنیای مدرن، این باستانیان و اقتدار باستانی بودند که از چشم‌انداز مدرن در نبرد مشهور به «منازعه باستانیان و مدرن‌ها»^۴ مورد حمله قرار گرفتند.^۵ ناگفته پیداست که در این نزاع، «مدرنیته»^۶ و «مدرن‌ها»^۷ پیروز شدند و در سده هفدهم، «فرهنگ و تمدن مدرن در فرانسه و انگلستان سر برآورد»^۸ مدرنیته برای شکل نوینی از انسان و اندیشه انسان مجال بروز داد و با سپردن سرنوشت انسان به دست خویش، دستاوردهایی عظیم در پی‌آورد که تا آن زمان کمتر بدان اندیشیده شده بود و مجال بروز یافته بود.

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای مدرنیته و تمدن مدرن، همانا به کمال رسیدن «روح علمی»^۹ است.^{۱۰} روح علمی، چونان مکتبی که اعتقاد به رستگاری انسان در خلال آن است انسان را به تلاش و جست‌وجویی همه‌سو برانگیخته است.

روح علمی، هر آنچه را که در پهنه هستی همچون پدیده، پدیدار می‌شود موضوع شناسایی قرار می‌دهد و با طبقه‌بندی یافته‌ها در رده‌های گوناگون به هر چیزی، جایگاهی در نظام کلی طبیعت می‌دهد و در ذیل علمی یا شاخه‌ای از علوم در آن پژوهش می‌کند.^{۱۱} «موضوعی که در روح علمی مطرح است ادراک واقعیت است نه مفید بودن یا مفید نبودن»^{۱۲} چرا که از دیدگاه انسان دارای روح علمی، ادراک واقعیت هر پدیده‌ای در هستی،

۳. حسینعلی نوذری، *مدرنیته: گذار از گذشته به حال* (ترجمه و تألیف: مجموعه مقالات) تهران: انتشارات نقش جهان نوذری، ۱۳۷۹، ص ۶۸.

4. Quarrel of Ancients and Moderns

۵. همان، ص ۷۱.

6. modernity

7. moderns

۸. همان، ص ۲۸.

9. Scientific spirit

۱۰. داریوش آشوری، «روح علمی زبان علمی»، ص ۱۳.

۱۱. همان، ص ۱۴.

۱۲. ژان فورستیه، *وضع و شرایط روح علمی*. ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران،

می‌تواند روزنه‌ای به رستگاری انسان بگشاید. در نتیجه در نگاهی که از «روح علمی» نشأت می‌گیرد فرقی نمی‌کند که ابژه یا موضوع شناخت؛ سنگ، آب، گیاه، پرنده، جانور، زمین و انسان باشد که به سنگ‌شناسی، آب‌شناسی، گیاه‌شناسی، پرنده‌شناسی، جانورشناسی، زمین‌شناسی و انسان‌شناسی برسد یا چین، هند، ایران، اسلام، شیعه باشد که به چین‌شناسی، هندشناسی، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی برسد یا اینکه پس از در نوردیدن پهنه زمین رو به آسمان آورده و تا دوردست‌ترین کرات را که حتی به مخیله بشر پیش مدرن هم نمی‌رسد زیر شناخت آورده و سیاه‌چاله و ستاره و سیاره و کهکشان و فضا را بشناسد.

۲- برآمدن زبان علمی مدرن

دانستیم که نگاه علمی در هر حوزه از شناخت، پدیده‌ها را هر چه جزئی‌تر می‌شکافد و بخش‌بندی و رده‌گذاری می‌کند. این حرکت بسیار پهناور و پرشتاب نیاز به بستر زبانی پهناور و گسترده‌ای داشت که به نیازهای دم‌افزون پیشرفت علم و فناوری پاسخ گوید؛ چرا که «زبان‌های طبیعی، با تنگناهای دستوری و محدودیت‌های واژگانی‌شان هرگز نمی‌توانستند این بستر زبان را فراهم کنند».^{۱۳} در نتیجه، همگام با این بینش به هستی و موضوع‌های شناخت، زبانی نیز پرورانده می‌شود که بتواند این یافته‌ها را بیان کند و در قالب خود بپذیرد و این همان «زبان علمی»^{۱۴} است.

از این‌رو، زبان‌های جهان مدرن (انگلیسی، فرانسه، آلمانی) رشدی شگرف کرده‌اند و برای این فرآیند نیازمند علوم بوده‌اند که در آغاز، دستورشناسی، لغت‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی بود. دستاوردهای شگرف زبان‌شناسی تاریخی در سده‌های هجدهم و نوزدهم برای علوم طبیعی و انسانی سرمایه عظیم لغت فراهم آورد که معدن اصلی آن زبان‌های یونانی و لاتین بود.^{۱۵}

در نتیجه، با برآمدن مدرنیته و در پی آن به کمال رسیدن روح علمی، زمینه پیدایش زبان علمی مدرن یعنی زبانی که دستاوردهای عظیم علمی انسان مدرن را در خود می‌نمایاند، فراهم آمد.

۱۳۷۱، ص ۴۹.

۱۳. داریوش آشوری، ما و مدرنیته. تهران: انتشارات صراط، ۱۳۸۷، صص ۴۷-۴۶.

14. Scientific Language

۱۵. داریوش آشوری، «علم و زبان علم»، مجله کلک، شماره ۴۲، ۱۳۷۲، ص ۸.

۳- ویژگی‌های زبان‌های علمی مدرن

زبان علمی مدرن در مقایسه با زبان همگانی و طبیعی و دیگر زبان‌های کمتر توسعه‌یافته علمی، ویژگی‌هایی دارد که از جمله می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ۱- دستگاه واژگانی خنثی و به دور از ارزش‌دآوری
- ۲- امکان توسعه بی‌نهایت زبان و واژگان
- ۳- تخصصی و خارج شدن زبان از فهم عامه مردم
- ۴- کاربرد اختیاری و ام‌واژه‌ها در معنایی تازه و در نتیجه بیرون آمدن زبان از تنگنای زبان طبیعی.^{۱۶}

این ویژگی‌ها در زبان‌های علمی مدرن باعث شده است که دایره واژگان آن‌ها گستره‌ای چشمگیر یابد و ده‌ها هزار لغت بر گنجینه واژگان آن‌ها افزوده شود. در نتیجه زبان مایه علمی آن‌ها از چنان گستره‌ای برخوردار شده که هر مفهوم و کارکرد علمی را با آن می‌توان به راحتی بیان کرد. بیان کارآمد و گسترده باعث سیطره علمی صاحبان آن زبان‌ها بر دیگر زبان‌ها و زبانوران شده است؛ در نتیجه زبان‌های دیگر، خود آگاه و ناخودآگاه، به دنبال زبان‌های علمی مدرن کشانیده می‌شوند و به واژه‌سازی‌های برابر با واژگان آن‌ها و پرورش زبان علمی خود یا پذیرش واژگان و زبان‌های علمی مدرن واداشته می‌شوند.

گفتار دوم:

زبان علم و حقوق ایران

۱- موقعیت زبان علم در ایران

می‌دانیم که زبان علم در دنیای اسلام زبان عربی بوده است و تمدن اسلامی یک زبان مشترک فرهنگی داشت که توانست میراث علم و فلسفه پیشامدرن را در خود بگوارد.^{۱۷} دانشمندان بزرگ ایرانی هم، مانند فارابی، ابوریحان بیرونی، بوعلی سینا، ذکریای رازی و ده‌ها دانشمند بزرگ دیگر عمده آثار خود را به عربی نوشته‌اند.

زبان فارسی تاکنون بیشتر زبان ادبیات بوده است نه علم.^{۱۸} فارسی اساساً زبانی است ادبی که درون‌مایه‌اش در شعر ظاهر شده است ولی استعدادی درخشان برای علم و فلسفه

۱۶. داریوش آشوری، ما و مدرنیته، صص ۷۶-۷۷.

۱۷. داریوش آشوری، «زبان فارسی و کارکردهای تازه آن»، نشر دانش، سال هفتم، ۱۳۶۶، شماره ۴۰، ص ۱۷.

۱۸. همان، ص ۱۹.

نشان نداده است.^{۱۹} چرا که هیچ‌گاه پیش از این زبان علم و فلسفه نبوده است. برای درک بهتر موقعیت زبان فارسی در برابر زبان‌های علمی و مدرن اروپایی مقایسه‌ای کوتاه ما را یاری می‌کند:

زبان فرانسه نخست گویش «ایل- دو فرانس» بود و بس، سپس که به زبان ملی فرانسه بدل شد و زبان‌های محلی (فلورانس، برتانی، آزاسی) را به حاشیه راند به زور دولت ناپلئون نبود بلکه پیش از آن در مقام زبان فرهنگ، فلسفه، ادبیات و علم مدرن و در مقام زبان دکارت، متسکیو، ولتر، مونتینی، و دیگران جایگاه فرادست خود را نسبت به زبان‌های محلی تثبیت کرده بود. همچنان که زبان آلمانی پیش از آنکه سیاست «خون و آهن» بیسمارک، آلمان واحد را پدید آورد، زبان کانت و هگل و ولف و لیسنگ و شیلر و گوته بود که پیشروان اندیشه و فلسفه و ادبیات مدرن آلمان بودند. حال آنکه زبان فارسی در آغاز این قرن یک زبان درهم شکسته آسیایی بود که در برابر زبان‌های جهان مدرن (که زبان علم و فلسفه و فناوری و اقتصاد مدرن هستند) نه تنها رونق نداشت که زبانی درمانده، گنگ و بیمار بود و هنگامی که می‌خواست به صورت زبان علمی مدرن درآید نه تنها هیچ نویسنده بزرگی به آن چیزی نمی‌نوشت که فرآورده‌های آن جز فرآورده‌های خام و تقلیدی دنیای واپس مانده نبود. امروز هم با همه کوششی که در طول هفتاد هشتاد سال گذشته بر سر بازسازی و پیشبرد آن شده هنوز نسبت به نیازهای علم و تکنیک و اندیشه مدرن یک زبان کم‌توسعه جهان سومی است. فرادستی فرهنگی— علمی زبان‌ها، دستاورد خداوندان و آفرینندگان فرهنگ است نه زور دولت‌ها. حقیقت این است که همچنان که دیگر نمی‌توان به تیغ محمود غزنوی و نادر، امپراتوری سیاسی ایران را زنده کرد به سخن فردوسی و مولوی و حافظ هم نمی‌توان زبان فارسی را در جایگاهی والا نشاناد.^{۲۰}

در نتیجه اگر زبان فارسی بخواهد در جایگاه زبان علم بنشیند باید پاسخگوی نیازهای مدرن زبانی باشد و این کار ست که نیازمند «برنامه‌ریزی زبانی»^{۲۱} و «مهندسی زبانی»^{۲۲} در بستری نظام‌مند و پیگیرانه می‌باشد نه کارهای پراکنده!

۱۹. داریوش آشوری، ما و مدرنیت، صص ۲۷۳-۲۷۱.

۲۰. همان، صص ۱۹۳-۱۹۲.

۲۱. (Language planning) برخورد روشمندان و پیش‌اندیشیده به نیازهای یک جامعه زبانی، مانند جامعه علمی. برای مطالعه بیشتر، نک: داریوش آشوری (۱۳۸۷). زبان باز: پژوهشی درباره زبان و مدرنیت. تهران: نشر مرکز. صص ۱۰۰-۷۰.

۲۲. (Language Engineering) کار ساخت‌وساز واژگان با روش‌های فنی و برای پاسخگویی به نیازهای علمی و تخصصی فارغ از قیدوبندهای زبان طبیعی. نک: داریوش آشوری، زبان باز، صص ۸۰-۷۰.

۲- موقعیت زبان علم حقوق در ایران

حقوق موضوعه یکی از دستاوردهای مدرنیته است. همچنان که می‌دانیم واژه حقوق را در فارسی برابر *Droit* در زبان فرانسه قرار داده‌اند. با وجود مناقشاتی که در گذشته کرده‌اند امروزه در اینکه «حقوق در شمار علوم اجتماعی و موضوع آن روابط انسان‌ها در اجتماع است، تردید وجود ندارد».^{۲۳} پس به این اعتبار که حقوق «علم» است و «زبان علمی» می‌خواهد، ما هم زبان علم حقوق ایران را بررسی می‌کنیم.

بی‌شک تا ظهور مشروطه در ایران و منطقه، زبان حقوقی رایج، زبان عربی بود. بزرگان این علم در مذاهب خمسه تألیفات خود را به زبان عربی می‌نگاشتند.^{۲۴} همان‌گونه که پیش از این آمد، زبان علم در ایران عربی بوده است و حقوق سنتی ایران هم از این قاعده مستثنا نبوده است.

اگرچه حقوق سنتی در ایران به زبان عربی بوده است اما «محصول حقوق» - بنا بر نظری که قانون را محصول حقوق می‌داند^{۲۵} - حتی پیش از مشروطیت به زبان فارسی بوده است. در بیان علت اینکه قانون (محصول حقوق) در ایران به زبان فارسی بوده است می‌توان گفت چون موضوع علم حقوق تنظیم روابط اجتماع است و از آنجا که «مهم‌ترین وسیله ارتباطی انسان و پایه همه نهادهای اجتماعی، زبان است»^{۲۶} و ابزار تنظیم روابط اجتماعی هر جامعه‌ای، زبان همان جامعه است به همین دلیل از همان ابتدا ایرانیان «اولین طرح قانون اساسی و اولین طرح تشکیلاتی»^{۲۷} حقوق مدرن خود (قانون اساسی ناصری) را به زبان فارسی نوشته‌اند و حتی در قسمتی از «قانون اساسی ناصری» که شرایط قانونگذاری را مقرر می‌دارد؛ شرط چهارم از هفت شرط را نوشتن قانون به زبان فارسی می‌داند.

با سامان گرفتن علم حقوق مدرن در ایران از همان آغاز کاربرد واژگان و اصطلاحات

۲۳. ناصر کاتوزیان، کلیات حقوق: نظریه عمومی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۲۳۵.

۲۴. البته به نظر نگارندگان، این حقوق به معنای سنتی است و حقوق به معنای مدرن در پی تحولات مدرنیته وارد ایران شد. محمدجعفر جعفری لنگرودی، علم حقوق در گذر تاریخ، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۴۹.

۲۵. میشل تروپه، فلسفه حقوق، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۶، ص ۶۲.

۲۶. ابوالحسن نجفی، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۷،

ص ۱۲.

۲۷. محمدتقی دامغانی، صد سال پیش از این (مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران)، تهران: انتشارات

شبگیر، ۱۳۵۷، ص ۷۱.

حقوقی عربی به اندازه‌ای رواج یافت که اگر علوم قرآنی و حدیث‌شناسی را کنار بگذاریم بی‌گمان هیچ شاخه‌ای از رشته‌های علمی به پای آن نمی‌رسد.^{۲۸} نگاهی به نوشته‌های انبوه و گوناگون حقوقی ایران، گستره کاربرد مفاهیم اصطلاحات و دانش‌واژه‌های های حقوقی عربی را به نمایش می‌گذارد.

با این وجود یکی از استادان حقوق ایران می‌نویسد: «سلف ما همت نکردند اصطلاحات حقوقی به زبان فارسی را گردآوری کنند و اکثر قریب به اتفاق آن‌ها در روزگار قدیم زوده و نابود شد»^{۲۹} البته این نظر نمی‌تواند درست باشد زیرا دانش‌واژه‌ها و اصطلاحات هر علم به زبان همان علم و توسط عالمان آن به وجود می‌آید حال آنکه علم حقوق سنتی ایران به جز چند اثر انگشت شمار همواره به زبان عربی بوده است پس اصطلاحات هم سوای چند لفظ همگانی (نه علمی) مانند هشتمه‌نامه (طلاق‌نامه) خونی (قاتل) خون‌بها (دیه) که توسط ایشان به عنوان شاهد حال آورده شده همواره به زبان عربی بوده است.

به بیان یکی از نویسندگان معاصر، «زبان فارسی عیبی دارد و نقصی؛ عیب زبان فارسی آمیختگی بیش از حد آن به عربی است و نقص آن، اینکه از جهت اصطلاحات فقیر است».^{۳۰}

این هر دو در زبان حقوق ایران مشهود است. مقایسه‌ای کوتاه میان دانش‌واژه‌های برابر نهاده فارسی و عربی در برابر فرانسه و انگلیسی درستی نظر ما را اثبات می‌کند. پیش از این مقایسه باید گفت کاربرد دانش‌واژه‌ها و اصطلاحات عربی در حقوق ایران به دو صورت است که ما هر دو را نشان می‌دهیم:

۱- استفاده از همان اصطلاحات برابر نهاده عربی در برابر فرانسه و انگلیسی (جدول ۱)

۲- استفاده از اصطلاح و دانش‌واژه‌های متفاوت از برابر نهاده‌های عربی ولی از زبان

مایه عربی (جدول ۲)

۲۸. محمدحسین ساکت، دادکاوی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۴۶.

۲۹. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، تهران: انتشارات گنج دانش،

۱۳۷۸، ص ۱۱.

۳۰. محمدعلی فروغی، پیام من به فرهنگستان، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۴، ص ۵.

جدول شماره ۱

franÇaise	English	العربیة	فارسی
Action mobilitere	Personal action	دعوی منقول	دعوی منقول
Action pubioque	Prosecution	الدعوی العمومیة	دعوی عمومی
Action annule	Action for avoid	دعوی ابطال	دعوی ابطال
Bail	Lease	اجاره	اجاره
Bonne foi	Good faith	حسن النیة	حسن نیت
Confitionnulle	Void condition	شرط باطل	شرط باطل
Compte	Account	حساب	حساب
Demande	Claim	طلب	طلب
Défense	Defence	دفاع	دفاع
Execution	Execution	تنفیذ	تنفیذ
Execution des lois	Enforcement of law	تنفیذ القوانين	تنفیذ قوانین
Tiers	Third person	شخص ثالث	شخص ثالث

جدول شماره ۲

franÇaise	English	العربیة	فارسی
Abondon du travail	Abandonment of work	ترك العمل	ترك فعل
Aiteration	Forgery	تزوير	جعل
Expresion de volonte	Expression of will	اعلام اراده	اعلام اراده
Empie tement	Trespass	تعدا (اعتدا)	تجاوز
Emision	Issue	اصدار	صدور
Desaccord	Conflict	تنازع	تعارض
Faux ecritures	Written forgery	تزوير خطی	جعل کتبی
Immatriculation	Registration	تسجيل	ثبت
Faux temoin	False testimony	شهادت زور	شهادت کذب
Tradition	Tradition	تقاليد	سنت
Punition	Punishment	عقوبت	مجازات
Mineur	Infant	قاصر	صغیر

۳- تاریخچه فارسی‌نویسی در فقه و عوامل عدم رونق فارسی در حقوق ایران

همان‌طور که پیش‌تر هم آمد می‌دانیم که زبان علم در ایران و منطقه، عربی بوده است و علم فقه (حقوق سنتی) هم از این قاعده مستثنا نبوده است. اما در کنار این میراث عظیم فقه به زبانی عربی، همان‌گونه که برخی استادان هم اشاره کرده‌اند «برخی از مشاهیر در متون سوال و جواب و فتاوا، به فارسی چیز نوشته‌اند مانند کتاب معروف جامع الشتات اثر میرزای قمی ... البته فارسی میرزای قمی در آن کتاب، فارسی محض نیست بلکه برزخ بین عربی و فارسی است».^{۳۱}

این نکته که «فارسی محض نیست بلکه برزخ بین عربی و فارسی است» در اکثر کتاب‌هایی که در فقه به فارسی نگاشته شده‌اند؛ دیده می‌شود. بهتر است تاریخچه فهرست‌واری از آثار فقهی فارسی از قرن ششم هجری تا قرن اخیر در اینجا یاد شود:

۱- ظاهراً قدیم‌ترین کتاب فقه فارسی موجود، ترجمه فارسی «النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی» تألیف شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هـ ق) است. ترجمه آن مربوط به قرن ششم یا هفتم هجری است.^{۳۲}

۲- کتاب فقه فارسی «جامع عباسی» از شیخ محمد بهالدین عاملی (متوفای ۱۲۰۹).^{۳۳}
 ۳- کتاب «شرائع الاسلام فی معرفه الحلال و الحرام» تألیف محقق حلی (متوفای ۶۷۶) که آن را عبدالغنی ابن طالب کشمیری به فارسی شکسته بسته‌ای در سال ۱۱۶۱ هجری قمری ترجمه کرده و آن را «جامع الرضوی» نامیده است. ترجمه دیگر «شرائع الاسلام فی معرفه الحلال و الحرام» به فارسی از ابوالقاسم احمدابن یزدی است که آن را در سال ۱۲۴۳ هجری قمری به پایان رسانیده است.^{۳۴}

۴- کتاب «مختصر النافع» که با نام «مختصر نافع» به فارسی ترجمه شده است.^{۳۵}
 ۵- کتاب فقه فارسی «انیس التجار» اثر ملا مهدی نراقی (متوفای ۱۲۰۹) برای استفاده تجار.^{۳۶}

۶- کتاب «جامع الشتات فی اجوبه السؤالات» اثر میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی (متوفای

۳۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی. علم حقوق در گذر تاریخ. ص ۴۹.

۳۲. حسین فاطمی (انشاءکننده جلد اول قانون مدنی)، فقه فارسی. تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷، ص ۹.

۳۳. همان، ص ۱۲.

۳۴. همان، ص ۱۰.

۳۵. همان، ص ۱۱.

۳۶. همان، ص ۱۲.

۱۲۳۲) به فارسی و عربی. ۳۷

۷- کتاب «تبصره المتعلمین» اثر علامه حلی (متوفای ۷۲۶) که حاج شیخ ابوالحسن شعرانی در سال ۱۳۹۰ هجری قمری به فارسی ترجمه کرده است. ۳۸

۸- کتاب فقه فارسی «صیغ العقود و الایقات» اثر آخوند ملاعلی قزوینی که تألیف آن در سال ۱۲۸۱ هجری قمری بوده است. ۳۹

۹- کتاب «سوال و جواب» اثر سیدمحمدکاظم طباطبایی (متوفای ۱۲۳۷ ه.ق.). ۴۰

۱۰- کتاب «شعائر الاسلام» به فارسی اثر حاج ملامحمد بارفروشی مازندرانی (متوفای ۱۳۱۵ ه.ق.). ۴۱

نکته‌ای که در همه این آثار فقهی تألیف و ترجمه به زبان فارسی، مشهود است این است که در همه این آثار، عناصری از زبان، مانند حروف اضافه، قیود، افعال و واژه‌های عمومی و غیر تخصصی، فارسی است! و اصطلاحات علمی فارسی اندکی، در زمینه حقوق در آن‌ها می‌بینیم. در واقع «هرچند عناصری همچون حروف اضافه، قیدها و افعال، اهمیت دارند اما آنچه مقوم و سازنده زبان علم است همان تک‌واژه‌ها و یا ترکیباتی هستند که بیان‌کننده مفاهیم علمی هستند و مصطلحات علم مورد نظر را می‌سازند». ۴۲ چرا که «واژه، عنصر اساسی زبان و عامل التزام و تعمیم ویژگی‌ها و اساس تفکر کلامی منطقی است». ۴۳ بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت: درست است که برخی عناصر زبان مانند حروف اضافه، قیود، افعال و واژگان عمومی، در آثار فقهی به زبان فارسی موجود و تا حدودی هم فارسی بودن این آثار مدیون همین عناصر است اما آن عنصری که در زبان علم، اساس و پایه محسوب می‌شود (دانش واژه‌ها و اصطلاحات) در این آثار بسیار اندک است و واقع این است که دانش واژه‌های عربی، با اقتدار، در متون فقهی فارسی موجود است.

۳۷. همان، ص ۱۳.

۳۸. همان، ص ۱۱.

۳۹. همان، ص ۱۳.

۴۰. همان، ص ۱۳.

۴۱. یکی از اساتید حقوق به کتاب «سلوک الملوک» که در فقه حنفی و شافعی نگاشته شده اشاره کرده و اشعار می‌دارند که در ایران کسی از آن یاد نکرده است. ما با مراجعه به کتابخانه تخصصی فقه و اصول و کتابخانه تخصصی ادبیات آن را نیافتیم. نک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، علم حقوق در گذر تاریخ، ص ۵۱.

۴۲. حسن حبیبی، «سرگذشت واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تا کنون»، نامه فرهنگستان،

دوره ۱۰، ۱۳۸۷، شماره ۳۷، پیاپی، ص ۸.

۴۳. سیما وزیرنیا، زبان شناخت، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹.

۴- نوسان زبان حقوق ایران

با بررسی زبان حقوق ایران می‌توان آن را به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره پیش از ایجاد «فرهنگستان ایران»

۲- دوره ایجاد «فرهنگستان ایران»

۳- دوره پیروزی انقلاب اسلامی ایران

اکنون به شرح ویژگی‌های هر یک از این دوران می‌پردازیم:

۴-۱. دوره پیش از ایجاد فرهنگستان ایران

همان‌گونه که آمد تا پیش از ایجاد مشروطیت زبان حقوق ایران عربی بود اگرچه زبان «محصول حقوق» (قانون) فارسی بود. در این دوره با آشنایی ایرانیان با حقوق مدرن و ایجاد نهادهای حقوقی و دادگستری، زبان فارسی کارکردی حقوقی هم، می‌یابد اما دانش‌واژه‌ها و اصطلاحات و واژگان بیشتر عربی هستند. برای نمونه در «قانون اساسی ناصری» ترکیبات زیر به کار رفته:

وضع قوانین، عمال حکومت، صلاح عامه، افراد رعایا، آحاد رعایا، دخول جبری، مشیران، صدر الشوره، دیوان عدلیه، مالیه عسگریه.

در قانون اساسی مشروطه (۱۳۲۴ قمری) و متمم آن (۱۳۲۵ قمری) دانش‌واژه‌های زیر را می‌یابیم:

امور معاشی، اجرای سیاست،^{۴۴} اصول اساسیه، استنطاق، ایالات و ممالک، مقاوله‌نامه، فلاحتی، عریضه، افراد ناس، عرض حال، اجلاسات، دارالخلافه، قوای قضاییه، حکیمه، اجراییه، تظلمات عمومی، انقعد محاکمات، محکمه استیناف، محکمه تمیز.

در قانون تجارت (۱۳۱۱/۲/۱۳) هم با واژگان عربی و فرانسه زیر روبه‌رو می‌شویم: ممتازه، نسخین، مفتش، ارباب سهام، عایدات خالص، تصدیق موقت، اعلان، کمیسر، راپورت، بیلان.

برای بیشتر اصطلاحات و واژگان که در این دوره آوردیم در دوره بعدی برابر نهادهای فارسی گذاشته شده است.

اما با بررسی قانون مدنی (۱۳۰۷/۲/۱۸) می‌بینیم که اصطلاحات و دانش‌واژه‌های عربی در این قانون به وفور به کار گرفته شده که هیچ‌یک از قوانین به پای آن نمی‌رسد دلیل این امر همچنان که مشهود است برگرفته شدن این قانون از فقه امامیه است که در این رشته

هم اهم تألیفات به زبان عربی بوده است. نگاهی کوتاه به سر فصل‌ها و متن قانون مدنی ما را از آوردن شاهد مثال بی‌نیاز می‌کند.

برای این رشته از قانون و حقوق تلاش کمتری برای ساختن برابر نهاده‌های فارسی صورت گرفته است که دلیل این امر را می‌توان پختگی و پروردگی دانش‌واژه‌های آن در فقه امامیه در طول سده‌ها و عجین شدن آن با زبان حقوق ایران دانست. روی هم رفته در این دوره از حقوق ایران هنوز حساسیت زبانی و توجه به ایجاد دانش‌واژه‌ها و اصطلاحات از زبان مایه فارسی کمتر موجود است و استفاده گسترده از دانش‌واژه‌های عربی و فرانسه نیازها را برآورده می‌سازد.

۴-۲. دوره ایجاد فرهنگستان ایران

فرهنگستان ایران در خرداد ۱۳۱۴ در تهران تشکیل شد ... یکی از اهداف آن اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی با سعی در اینکه حتی‌الامکان فارسی باشد بود. فرهنگستان پس از سال ۱۳۲۰ ضعیف و سپس تعطیل گردید و برای بار دوم با عنوان فرهنگستان زبان ایران در آبان ۱۳۴۹ بنیاد نهاده شد.^{۴۵} یکی از رشته‌هایی که برای آن کمیسیون واژه‌پردازی ایجاد شده بود «علوم قضایی و دادگستری» بود فرهنگستان ایران با ساختن ده‌ها واژه حقوقی و صدها واژه که «تنه مشترک» (Common Trunk)^{۴۶} محسوب می‌شوند و در علوم انسانی و اجتماعی از جمله حقوق کاربرد داشت گام‌های آغازین را برای ایجاد زبان مایه علمی حقوق در فارسی برداشت و نشان داد که با تلفیقی از همت و دقت و ذوق سلیم و دید علمی می‌توان در زبان فارسی به ایجاد زبان علمی امیدوار بود.

به نظر ما دانش‌واژه‌ها و واژگان فرهنگستان ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) واژگان و دانش‌واژه‌هایی که جایگزین همانند‌های عربی و فرانسه و انگلیسی شدند و در کتاب‌های حقوقی و قانون‌ها راه خود را یافتند برخی از آن‌ها:

قانونگذاری، دادرس، دادرسی، دادسرا، دادگاه، دادگستری، دادنامه، دادیار، بازجویی، بازجو، بازپرس، بازپرسی، بازداشت، بازداشتگاه، بازرس، بازرسی، زندان، زندانی، خواهان، خوانده، دادخواست، خواسته، پژوهش، پژوهش‌خواه، پژوهش‌خوانده، فرجام، فرجام‌خواه، فرجام‌خوانده، فرجام‌خواسته، اخواهی، اخوای، اخوای، اخوای، اخوای، اخوای، اخوای، اخوای، بیمه، تراز، ترازنامه، برات، برات‌کش، برات‌گیر، پذیره‌نویسی، بی‌نام، بانام، سررسید، داور،

۴۵. محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد ۶ (اعلام)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۳۵۶.

۴۶. واژگان مشترکی که برای رشته‌های همگون علمی و در شاخه‌های گوناگون به گونه‌ای یکسان کاربرد دارد.

داوری، کیفر، گزارش، کارآموز، کارشناس، انگشت‌نگاری.^{۴۷}

ب) واژگان و دانش‌واژه‌هایی که همراه همانند‌های عربی و ... به کار برده می‌شوند. از جمله آن‌ها:

استوار کردن (ابرام، تأیید)، انگیزه (محرک)، بازرگانی (تجارت) بستانکار (دائن)، بدھکار (مدیون)، بدهی (دین) پرداخت (تأدیه) دیرکرد (تأخیر)، زیان (خسارت)، سررسید (موعد) سود (منفعت) درآمد (عایدات)، دستمزد (حق‌الزحمه)، بهره (ریح) ارزیاب (مقوم)، ارزیابی (تقویم)، درستی (صحت)، گواه (شاهد)، وام (قرض)، کارمزد (حق‌العمل)، پذیرش (قبول)، پذیرفتن (قبول کردن)، پیشنهاد (ایجاب)، پیمان (عهد)، پیمان‌نامه (عهدنامه)، جانشین (قائم مقام) پیشه (کسب)، بزه (جرم)، بزهکار (مجرم).

ج) واژگان و دانش‌واژه‌هایی که مورد استقبال حقوقدانان و قانونگذار قرار نگرفت و کاربرد حقوقی نیافت. از جمله: فروخته (میبع) گسیختن (فسخ)، بی‌برگشت (غیرقابل فسخ) وازدن (رد) پذیرا (قبول کننده)، خستو (اقرار کننده)، ناخستو (منکر) فرستادن (برگرداندن)، پیش‌بها (بیعانه) پایندان (کفیل) توان‌خواه (مدعی خصوصی)، سوم‌کس (شخص ثالث)، شایسته (صالح)، دغل (متقلب)، دغلی (تقلب)، رای (رأی)، گفتگو (دعوا)، واپسین (آخرین)، رونوشت گواهی یافته (سواد مصدق).

ویژگی‌های این دوره از زبان حقوق ایران را می‌توان چنین برشمرد:

۱- اندک‌اندک حساسیت زبانی در علم حقوق ایجاد شده و برای برخی دانش‌واژه‌های بیگانه عربی، فرانسه و انگلیسی برابر نهاده‌های فارسی گذاشته می‌شود که برخی از آن برابر نهاده‌های برای همیشه جزئی از زبان مایه علمی حقوق شدند.

۲- با برداشتن نخستین گام‌ها برای صورت علمی دادن به زبان فارسی واژگان تازه ساخته در قوانین راه می‌یابند به طوری که در عنوان قوانین هم به کار برده می‌شوند مانند بخشودگی،^{۴۸} بازرگانی،^{۴۹} کارشناسی.^{۵۰}

۳-۴. دوره انقلاب اسلامی

در این دوره با باز اسلامی شدن قوانین و حقوق ایران شاهد وفور دانش‌واژه‌ها و واژگان

۴۷. منبع ما برای این واژه‌ها: بی‌نا، واژه‌های نو که تا پایان سال ۱۳۱۹ در فرهنگستان پذیرفته شده است، چاپ

۳، ۱۳۵۴، فرهنگستان زبان ایران.

۴۸. قانون راجع به عفو و بخشودگی (مصوب ۱۳۲۰).

۴۹. قانون اصلاح قسمتی از مقررات قانون انحصار بازرگانی خارجی (مصوب ۱۳۲۱).

۵۰. قانون کارشناسان (مصوب ۱۳۱۷).

عربی در قوانین و حقوق هستیم در حالی که در «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» کمیسیون برای واژه‌پردازی در علم حقوق ایجاد نشده است. حتی مشاهده می‌شود برخی از واژگان که «فرهنگستان ایران» برای برابری عربی گذاشته بود نادیده گرفته شده است. برای نمونه دانش واژه‌های «پژوهش» و «فرجام» که توسط فرهنگستان ایران به جای «استیناف» و «تمیز» گذاشته شده و در قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ به کار رفته بود کنار گذاشته شدند. در لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸، «پژوهش» جای خود را به اصطلاح عربی «تجدیدنظر» و در قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۴، «فرجام» نیز جای خود را به «تجدیدنظر» داد. در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، نیز اصطلاح «تجدیدنظر» به جای هر دو دانش واژه «تجدیدنظر» و «فرجام» به کار رفت! سپس در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، واژه «فرجام» دوباره و پس از سال‌ها به کار برده شد؛ ولی «تجدیدنظر» همچنان به جای «پژوهش» به کار رفت. این گونه برخورد با دانش واژه‌ها و واژگان فارسی، برخی استادان حقوق را به واکنش واداشته و از «نگاه غضب‌آلود به اصطلاح‌های فارسی»^{۵۱} ابراز ناخرسندی کرده‌اند.

سرانجام باید گفت در این دوره رویکردی یکسان و هماهنگ به واژگان و دانش واژه‌های حقوقی نمی‌بینم اما آن حساسیت زبانی که در دوره قبل وجود داشت دیگر به آن شکل موجود نیست چرا که در «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» هم که پس از انقلاب اسلامی به جای فرهنگستان دوم ایران برپا شد برای علم حقوق کمیسیون در نظر گرفته نشده است. در این دوره یکی از نویسندگان پس از درک ضرورت پرورش «زبان علمی» چنین گفته است: «چرا نباید برای واژگان و اصطلاحات کاربردی حقوقی، برابری زیبا، پارسی، خوش‌آهنگ، کوتاه و در خور درک و برداشت همگان بسازیم؟ و آن‌ها را جایگزین قالب‌های فرسوده بگردانیم».^{۵۲}

باید گفت که نفس سخن ایشان درست است اما جزء اخیر سخنشان مبنی بر «در خور درک و برداشت ساختن واژگان و جایگزین کردن آن به جای قالب‌های فرسوده» در خور نقد است. چرا که الزاماً زبان علم نباید در خور درک و برداشت همگان باشد چون همان‌گونه که آمد از جمله ویژگی‌های زبان علم، تخصصی و به دور از درک و برداشت همگان شدن است. و منظور ایشان هم از «قالب‌های فرسوده» مبهم است. اگر منظور از آن،

۵۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲.

۵۲. محمدحسین ساکت، پیشین، ص ۱۲.

واژگان و اصطلاحاتی است که به زبان عربی در حقوق ایران موجود است نمی‌توان آن‌ها را فرسوده دانست؛ چرا که با تمام سرزندگی و معناداری هنوز در حقوق ایران حضور دارند. در همین راستا ایشان پس از آوردن چند اصطلاح نوین و خوش‌ساخت از مایه فارسی، می‌نویسند: «با یاری خداوند با گردآوری همین شن‌ریزه‌ها - واژگان - شالوده‌ای از فرهنگ حقوقی پارسی ناب پی خواهیم افکند».^{۵۳} در اینجا نیز می‌توان گفت: کار زبان علم با گردآوری چند واژه و اصطلاح سامان نمی‌یابد بلکه همان‌گونه که در نتیجه این مقاله خواهد آمد محتاج به تدبیرهایی پیگیرانه و نظام‌مند است.

۵- عملکرد فرهنگستان‌های سه‌گانه، در حیطه علم حقوق و قیاس آن با فرهنگستان مصر

یکی از کمیسیون‌های واژه‌پردازی «فرهنگستان ایران» (سال ۱۳۱۴)، «کمیسیون اصطلاحات دادگستری و قضایی»^{۵۴} بود که استادان مشهور حقوق هم، از جمله دکتر احمد متین‌دفتری و مصطفی عدل منصورالسلطنه (شارح اول قانون مدنی ایران) در آن حضور داشتند و اکثر برابرگذاری‌های اصطلاحات حقوقی، حاصل کار همین گروه بود. پس از برچیده شدن «فرهنگستان ایران» در سال ۱۳۲۰ و ایجاد «فرهنگستان زبان ایران» در سال ۱۳۴۹ باز هم یکی از گروه‌های بیست‌گانه آن فرهنگستان در واژه‌پردازی، گروه «حقوق و علوم اداری»^{۵۵} بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، «فرهنگستان زبان ایران» هم منحل شد و در سال ۱۳۶۹ «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»^{۵۶} بنیان نهاده شد. این فرهنگستان هم با تشکیل گروه‌های واژه‌گزینی در رشته‌های مختلف علمی، همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. تا به حال هفت «دفتر» از واژگان مصوب این فرهنگستان منتشر شده است. به حکایت این دفاتر، علاوه بر علوم ریاضی، مهندسی و تجربی در حیطه علوم انسانی هم برای برخی رشته‌ها، واژه‌گزینی شده است که به قرار ذیل‌اند:

«دفتر اول»، برای رشته‌های اقتصاد و گردشگری و جهانگردی واژه‌گزینی شده است.^{۵۷}

۵۳. همان، ص ۱۵.

۵۴. اعضای «کمیسیون دادگستری و قضایی» عبارت بودند از: ولی‌الله نصر، علی‌اکبر سیاسی، جمال‌الدین اخوی، احمد متین‌دفتری، شایگان، آموزگار، علی پاشا صالح و مصطفی عدل. نک: حسن کیانوش، واژه‌های برابر فرهنگستان، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۵.

۵۵. نک: حسین گل‌گلاب و صادق کیا، فرهنگستان ایران و فرهنگستان زبان ایران، انتشارات فرهنگستان زبان

ایران، بی‌جا، ۲۵۳۵، ص ۲۲.

۵۶. حسن حبیبی، پیشین، ص ۲.

۵۷. نک: بی‌نا، فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر اول، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران،

«دفتر دوم»، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و زبان‌شناسی.^{۵۸}

«دفتر سوم»، زبان‌شناسی.^{۵۹}

«دفتر چهارم»، روانشناسی، زبان‌شناسی، علوم سیاسی و گردشگری و جهانگردی.^{۶۰}

«دفتر پنجم»، باستان‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، علوم سیاسی و گردشگری و جهانگردی.^{۶۱}

«دفتر ششم»، باستان‌شناسی، روانشناسی، زبان‌شناسی و علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، کتابداری و اطلاع‌رسانی.^{۶۲}

«دفتر هفتم»، باستان‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی، آینده پژوهی و آینده نگری و روابط بین‌الملل.^{۶۳}

همان‌طور که می‌بینیم در هیچ‌یک از دفاتر فرهنگ و آژگان مصوب «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و آژگان و دانش‌واژه‌های رشته حقوق، موجود نیست؛ چرا که اصولاً برای رشته حقوق در فرهنگستان کنونی (بر خلاف فرهنگستان‌های قبلی) گروه واژه‌گزینی، تشکیل نشده است.

فرهنگستان کشور مصر در زمینه حقوق بسیار فعال عمل کرده است. در چهل جلد کتابی که از مصوبات فرهنگستان مصر در حوزه‌های متعدد علوم، به دست فرهنگستان زبان و ادب فارسی رسیده و حدوداً شامل چهل هزار واژه است^{۶۴} سهم مجموعه حقوق بسیار

۱۳۸۴، چاپ دوم.

۵۸. نک: بی‌نا، فرهنگ و آژگان مصوب فرهنگستان، دفتر دوم، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۴.

۵۹. نک: بی‌نا، فرهنگ و آژگان مصوب فرهنگستان، دفتر سوم، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۶۰. نک: بی‌نا، فرهنگ و آژگان مصوب فرهنگستان، دفتر چهارم، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول.

۶۱. نک: بی‌نا، فرهنگ و آژگان مصوب فرهنگستان، دفتر پنجم، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۷، چاپ اول.

۶۲. نک: بی‌نا، فرهنگ و آژگان مصوب فرهنگستان، دفتر ششم، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول.

۶۳. نک: بی‌نا، فرهنگ و آژگان مصوب فرهنگستان، دفتر هفتم، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول.

۶۴. محمود ظریف، «گزارش از مجموعه اصطلاح‌های مصوب فرهنگستان مصر»، نامه فرهنگستان، ۱۳۸۴، شماره ۲۶، ص ۱۷۲.

چشمگیر است به طوری که در پانزده جلد از آن کتاب‌ها، واژگان و اصطلاحات حقوقی مصوب فرهنگستان مصر، موجود است. از جمله، اصطلاحات حقوق مدنی در جلد‌های ۸، ۱۹ و ۲۰؛ حقوق تجارت در جلد ۱؛ حقوق بین‌الملل در جلد‌های ۱، ۶، ۲۲ و ۳۷؛ و دعاوی حقوقی در جلد‌های ۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ موجود است.

در واقع در زمینه علوم مدرن، زبان عربی هم با همان چالشی مواجه است که همه زبان‌های مربوط به فرهنگ‌های پیشامدرن، مواجه‌اند و آن فقر واژگان و اصطلاحات علمی است که این زبان‌ها را به در پیش گرفتن سیاست برنامه‌ریزی زبانی واداشته است.

۶- چرا فقط برخی واژگان و دانش‌واژه‌های مصوب «فرهنگستان» ها پذیرفته شد؟

می‌دانیم که ساختار زبان عمومی به گونه‌ای است که برخی واژگان و دانش‌واژه‌های جدید (چه نوساخته یا وام واژه) را می‌پذیرد و در دستگاه واژگانی می‌گوارد؛ و به دیگر سخن از آن خود می‌کند و گاهی به دلایلی ممکن است واژگان جدید را به خود نپذیرد. حال صرف نظر از زبان به طور کلی و زبان عمومی، وبا ورود به مسأله مورد بحث ما، سوال این است که: چرا برخی اصطلاحات و دانش‌واژه‌های مصوب «فرهنگستان ایران» و «فرهنگستان زبان ایران» توسط کاربران حقوقی پذیرفته شد و شماری نه؟

به عبارتی دیگر چرا دانش‌واژه‌هایی مانند «خواهان»، «خواننده»، «دادگاه»، «دادسرا»، «دادگستری»، «دادرس»، «دادستان»، «بازجو»، «بازپرس» و ... توسط کاربران حقوقی پذیرفته می‌شود و برای همیشه جزئی از زبان علم حقوق ایران می‌شود ولی دانش‌واژه‌هایی مانند «فروخته»، «بی برگشت»، «وا زدن»، «خستو»، «ناخستو»، «پیش بها»، «پایندان»، «سوم کس»، «گفتگو»^{۶۵} استقبال نمی‌شود و در موزه زبان حقوق ایران به یادگار می‌ماند؟

برای پاسخ به این سوال، ابتدا بهتر است مقدمه وار، برخی اصول و ضوابط واژه‌گزینی علمی را از نظر بگذرانیم. به نظر برخی زبان‌شناسان برای وضع اصطلاحات علمی قواعدی چند باید رعایت شود؛ از جمله:

- ۱- اصطلاح باید مستقیماً به مفهوم، مربوط باشد و مفهوم را به وضوح برساند؛
- ۲- اصطلاح باید اشتقاق پذیر باشد؛
- ۳- اصطلاح باید کوتاه باشد و اطلاعات زاید نداشته باشد؛
- ۴- اصطلاح باید تک‌معنایی باشد؛

۶۵. به ترتیب به جای: میع، فسح، غیرقابل فسح، رد، مقر، منکر، بیعانه، کفیل، سوم شخص و دعوا برابرگزاری شده بودند.

۵- اصطلاح باید دقیق باشد و معنای آن با دیگر اصطلاحات تطابق (همپوشی) نداشته باشد.^{۶۶}

با لحاظ این قواعد، حال می‌توانیم پاسخ سوال مطرح‌شده در سطور پیشین را بیابیم. می‌توان گفت در مورد دانش واژه‌های مصوب فرهنگستان، که توسط کاربران حقوقی استقبال و پذیرفته شده است، این قواعد به وضوح رعایت شده است. در واقع دانش واژه‌های دادگاه، دادسرا، خواهان، خوانده، خواسته هم به خوبی مفهوم حقوقی منظور را می‌رسانند هم اشتقاق‌پذیر، کوتاه، دقیق و تک‌معنایی هستند. برای مثال از تک‌واژه «داد» دادگاه، دادسرا، دادیار، دادگستری و ... را متوان ساخت (اشتقاق‌پذیری). مفهوم «داد» هنوز معنادار است و کوتاه و دقیق و تک‌معنا.

از دیگر سو، اگر دانش واژه‌های مصوبی که از آن‌ها استقبال نشده و جایفتاده‌اند را بررسی کنیم می‌بینیم که اکثر قواعدی که پیش‌تر در واژه‌گزینی علمی آمد؛ برای آن‌ها رعایت نشده است. واقعیت این است که دانش واژه‌های «گفتگو» «فروخته»، «گسیختن»، «پایندان»، «سوم‌کس»، «بی‌برگشت»، «وازدن» نه به خوبی مفهوم حقوقی منظور را می‌رسانند نه اشتقاق‌پذیرند و نه نسبت به برابری‌های عربی خود کوتاه‌تر و دقیق‌تر و نه تک‌معنایی هستند. برای مثال اصطلاح «گفتگو» بیشتر در محاوره و ادبیات کاربرد دارد و عرف از آن «صحبت کردن» را متبادر می‌کند نه مفهوم فقهی - حقوقی «دعوا» را. همچنین واژه «کس» در حقوق به معنای «شخص» پذیرفته نیست زیرا «شخص» در حقوق به «حقیقی» و «حقوقی» (که ممکن است غیرانسان باشد) تقسیم شده است حال آنکه «کس» فقط انسان را به ذهن متبادر می‌کند، یا دانش واژه «فسخ» کوتاه‌تر، اشتقاق‌پذیرتر، مفهوم‌دارتر، دقیق‌تر و در نهایت رساتر از دانش واژه «گسیختن» است.

در نتیجه دلایلی از این دست، از جایگزینی این دسته از دانش واژه‌ها و واژگان مصوب فرهنگستان به جای معادل‌های پیشین، مانع آمد. در عین حال به نظر نگارندگان، عواملی مانند شفافیت معنایی، اصل اقتصاد در نظام زبان، روح حاکم بر زبان، بسامد واژگانی، حس قومی و ناسیونالیستی هم می‌تواند در جایگزینی یا عدم جایگزینی دانش واژه‌های نوساخته به جای اصطلاحات قبلی، تأثیرگذار باشد؛ که در اینجا مجال واکاوی هر یک از آن‌ها نیست.

66. See: J.C. SAGER, *A Practical Course in Terminology Processing*: Benjamins, Amsterdam, 1990. نقل از: نگار داوری اردکانی، «هنجار و زبان علم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران،

در نهایت نباید از نظر دور داشت که «زبان علم، مشابه هر زنجیره زبانی دیگر، تحت تأثیر موقعیت اجتماعی خود، یعنی اشخاصی که آن را به کار می‌برند و موقعیتی که در آن به کار می‌رود می‌باشد».^{۶۷}

پس این کاربران هستند که خودآگاه و ناخودآگاه در تعیین مسیر و بستر زبان علم (به طور کلی) و زبان علم حقوق در ایران نقش سازنده‌ای دارند و کلید اصلاح و بسترسازی برای اصلاح، در دست کاربرانِ اندیشه‌ورز است.

نتیجه و پیشنهاد

از آنچه آمد دانستیم در زبان حقوق ایران - اگر از برخی نوسان‌ها چشم پوشیم - جز مثنی حرف اضافه و حرف ربط و فعل، خبری از زبان مایه فارسی نیست و از ویژگی‌هایی که برای زبان‌های علمی مدرن برشمردیم زبان حقوق ایران دو مورد ۱- دستگاه واژگانی ختثا و به دور از ارزش‌دآوری؛ و ۲- تخصصی و خارج شدن زبان از فهم عامه مردم را داراست ولی دیگر ویژگی‌ها مثل امکان توسعه بی‌نهایت زبان و واژگان و بیرون آمدن از تنگنای زبان طبیعی و همگانی را ندارد. در مورد علت دارا بودن ویژگی دوم هم (تخصصی و خارج شدن زبان از فهم عامه مردم) می‌توان گفت از آنجایی که واژگان و اصطلاحات در زبان حقوق ایران، بیشتر از مایه عربی ساخته می‌شود و عربی نیز همیشه زبان خواص و اهل علم بوده در نتیجه واژگان و دانش‌واژه‌های حقوقی هم که از بستر این زبان برآمده است؛ طبیعتاً به دور از فهم عامه مردم شده و ویژگی تخصصی یافته است پس این ویژگی موصوف را نمی‌توان به واژگان و دانش‌واژه‌های زبان فارسی در حقوق ایران نسبت داد؛ بر خلاف زبان‌های علمی مدرن که ایجاد و پرورش آن‌ها بر بستر خود آن زبان‌ها و به کارگیری وام‌واژه‌های یونانی و لاتین که نیای آن زبان‌ها محسوب می‌شوند انجام گرفته است. حال اگر بخواهیم واژگان و اصطلاحات، بر بستر فارسی ساخته شود باید دیدگاه حقوقدانان و دست‌اندرکاران حقوق تغییر یابد و در تألیف و ترجمه به آن توجه کنند.

پیشنهاد‌های ما برای بهتر شدن وضعیت زبان فارسی در حقوق و واژه‌سازی بر بستر آن چنین است:

۱- به کار بردن واژگان و اصطلاحات «تنه مشترک»: واژگان و اصطلاحاتی که در دیگر رشته‌های علوم انسانی از مایه فارسی ساخته شده و مفهوم دقیق یافته‌اند به طور معمول در حقوق نادیده انگاشته می‌شود و برابری بیگانه آن‌ها به کار می‌رود برای مثال:

پیش‌اندیشی (سبق تصمیم) چندزنی (تعدد زوجات) توانگری (ملائت) توانگر (ملی) خواسته (ارادی) ناخواسته (غیرارادی) ناگزیری (اضطرار) ناگزیر (مضطر) نوپیدا (مستحده) خواردارنده (تحقیرکننده) خوارداشت (تحقیر).

۲- استفاده از دستاوردهای «مهندسی زبانی»: با توجه به تعریفی که از آن آمد اگر برای مثال، ما واژه «محکوم» را از عربی گرفته و به جای «محکوم‌علیه» و «محکوم‌له» واژگان «محکوم‌مانده» و «محکومیده» را بسازیم یا به جای «محال»، «محتال»، «محال‌علیه»، واژگان «احالنده»، «احاله‌دار»، «احالیده» و یا به جای «منتقل»، «منتقل‌لیه»، «مورد انتقال» واژگان «واگذارنده»، «واگذاریده»، «واگذاره» را بسازیم به نوعی، از «مهندسی زبانی» استفاده کرده‌ایم؛ چرا که فارغ از قیدوبندهای «زبان همگانی» و زبانوران آن - که هیچ‌گاه ذوق و پسند همگانی آنان اجازه ساخت چنین واژگانی را نداده است - با تکیه بر «مهندسی زبانی» اینها را ساخته‌ایم. پس در «زبان علمی» برای هر چه بسامان‌تر و قاعده‌مندتر کردن و در عین حال گسترده‌تر و پردامنه‌تر کردن زبان، دست به ساخت‌وساز آگاهانه و سیستم‌مند واژگان می‌زنند که زبان همگانی مجوز آن را نمی‌دهد.

۳- ایجاد گروه واژه‌گزینی علم حقوق در فرهنگستان زبان و ادب فارسی: استفاده از استادان و دست‌اندرکاران حقوق که آشنایی کامل با فرآیند «زبان علم»، ویژگی‌ها و اهداف آن دارند و نیز حداقل به یکی از «زبان‌های علمی مدرن» (انگلیسی، فرانسه، آلمانی) تسلط دارند می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد چرا که فرآیند پرورش «زبان علمی» بدون دانستن فلسفه و هدف آن و عدم تسلط بر یک «زبان علمی» چه بسا گمراه‌کننده باشد؛ چون واژگان و اصطلاحات در زبان علم (عکس زبان ادب و شعر) باید دقیق و به دور از هرگونه ابهام و ایهام و کنایه باشد و مفهوم را سر راست منتقل نماید.

فهرست منابع

کتاب:

- آشوری، داریوش. زبان باز: پژوهشی درباره زبان و مدرنیت. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷.
- آشوری، داریوش. ما و مدرنیت. تهران: انتشارات صراط، ۱۳۸۷.
- تروپه، میشل. فلسفه حقوق. ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. علم حقوق در گذر تاریخ. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- دامغانی، محمدتقی. صد سال پیش از این (مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران). تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۵۷.

- ساکت، محمدحسین. دادکاوی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی، جلد دوم. تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۵.
- فاطمی، حسین (انشاءکننده جلد اول قانون مدنی). فقه فارسی. تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷.
- فروغی، محمدعلی. پیام من به فرهنگستان. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۴.
- فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر اول. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
- فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر پنجم، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷.
- فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر چهارم، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶.
- فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر دوم. تهران، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
- فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر سوم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۵.
- فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر ششم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸.
- فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، دفتر هفتم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸.
- فورستیه، ژان. وضع و شرایط روح علمی. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر. کلیات حقوق: نظریه عمومی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- کیانوش، حسن. واژه‌های برابر فرهنگستان. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
- گل‌گلاب، حسین و صادق کیا. فرهنگستان ایران و فرهنگستان زبان ایران. تهران، انتشارات فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۵.
- مالمعامی، موریس نخله، زومی البعلیکی، و صلاح قطره، قاموس القانوني الثلاثيه (عربی فرنیسی انکلیزی). بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۵.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی، جلد ۶ (اعلام). تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- نجفی، ابوالحسن. مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۷.
- نوذزی، حسینعلی. مدرنیته: گذار از گذشته به حال. تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹.
- واژه‌های نو که تا سال ۱۳۱۹ در فرهنگستان پذیرفته شده است. تهران: فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۴.
- وزیرنیا، سیما. زبان شناخت. تهران: نشر قطره، ۱۳۷۹.
- SAGER, Juan C., *A Practical Course in Terminology Processing*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, 1990.
- مقالات:**
- آشوری، داریوش. «روح علمی زبان علمی»، نشر دانش، سال پنجم، ش ۲۷، ۱۳۶۴، ۱۵-۱۰.
- آشوری، داریوش. «زبان فارسی و کارکردهای تازه آن»، نشر دانش، سال هفتم، ش ۴۰، ۱۳۶۶، ۱۳-۶.
- آشوری، داریوش. «علم و زبان علم»، مجله کلک، ش ۴۲، ۱۳۷۲، ۱۲-۷.
- حیبی، حسن. «سرگذشت واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تا کنون»، نامه فرهنگستان، دوره ۱۰، ش ۳۷، ۱۳۸۷، ۲۷-۲.
- داوری اردکانی، نگار. «هنجار و زبان علم». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۵، ۱۳۸۲، ۱۱۶-۹۹.
- ظریف، محمود. «گزارش از مجموعه اصطلاح‌های مصوب فرهنگستان مصر»، نامه فرهنگستان، ش ۲۶، ۱۳۸۴، ۱۷۴-۱۷۱.

Survey and Analyze of the Legal Language In Iran in the light of Modern Scientific Languages

Hossein Simaee Sarraf (Ph.D.) & Hamed Malekshahi

Since language is the basis for all human interactions and since science as an action takes place in the context of language, this paper intends to analyze the characteristics, changes, and fluctuations of the legal language in Iran in the light of modern scientific languages. For this purpose, first of all such concepts as modernity, scientific spirit, and scientific language and its characteristics will be examined as an introduction to the subject. The significance of the legal language and legal terms is not less than the legal science itself. As we proceed, we face such questions as follow: how does the language of law in Iran as a scientific language make its scientific terms and vocabulary? Dose it depend on Persian language or Arabic language Although some unsystematic and inconstant efforts have been made to use Persian terms and vocabulary (which will be analyze as part of the fluctuations of the legal language in Iran), it can be said that the legal language in Iran depends heavily on Arabic language.

Keywords: Scientific Language, Iranian Law, Vocabulary, Persian Language, Arabic Language

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. XI, No. 1

2012-1

- Compulsory Licenses for Intellectual Property: Challenges among Developing and Developed Countries
Mahmood Bagheri & Simin Abbasi
- Survey and Analyze of the Legal Language in Iran in light of Modern Scientific Languages
Hossein Simaee Sarraf & Hamed Malekshahi
- Unjust Enrichment in Iranian Law in light of UN Convention against Corruption
Seyed Mansoor Mirsaedi & Hojjat Najarzadeh Ahari
- New Achievements of England Arbitration Act 1996 in compare with Iranian International Trade Arbitration Act
Hamid Reza Alikhani & Saeid Abasi
- Right of Fair Trial in Pre-Trial Investigation in ECHR Practice
Nafisseh Bahrami
- Moving towards Lawmaking and Contemporary Approach: Jurisprudence in the Context of ICJ
Amir Arsalan Rasoolpour & Abdollah Abedini
- Executive Regulations of Fines in Penal Laws of Iran and England
Maryam Hemmati
- Reflections on *Radovan Karadzic* Case: Butcher of Balkan
Heybatoolah Nazhandi Manesh

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study